یادداشت روز

درباره برگزارنشدن جایزه گلشیری
نقش حیرت‌انگیز «اساسنامه»

امیرحسین خورشیدفر

● خبر این بود: بنیاد گلشیری تصمیم گرفته بضاعت و امکانات ناچیزش را امسال (یا دست‌کم امسال) به‌جای برگزاری جایزه داستان کوتاه و رمان فارسی، صرف دیگر مندرجات اساسنامه بنیاد کند. پیش از آنکه به سر قصه اصلی شویم، بگوییم که این اساسنامه در تاریخ کوتاه جایزه گلشیری همیشه نقش حیرت‌انگیز و حساسی را برعهده داشته. بهانه، بدگمانی و بدگویی و خصومت بوده است. یک بارش همین یکی، دوسال پیش، یکی از همین سال‌هایی که جایزه در منزلی شخصی برگزار می‌شود، پیش آمد. شنیدیم دبیر اجرایی جایزه (یا سمتی در همین حدود) از کمیته برگزاری یا عنوان دیگری با همین معنی پرسیده فلان مورد ابهام را باید با مراجعه به کدام منبع برطرف کنم. پاسخ آمده که نمی‌دانیم یا پیش‌بینی نشده است یا اینکه اگر این از جمله مبالغه‌های مرسوم و قصه‌پردازی‌های دوستانه نباشد گفته بودند اصولا مرجعی وجود ندارد. یعنی در ذات وجود اساسنامه تشکیک شده بود. تکلیف آن ابهام معلوم نشد و در آن سال، جایزه یکی، دو بخش اشتراکی اهدا شد. صدای نویسنده‌ای که خودش شخصا در نوشتن اساسنامه نقش داشت درآمد که این با قوانین جایزه مغایر است. این کار قانون‌شکنی است. از آن طرف البته پاسخ سنگین‌تری داده شد. چندان که وقتی دبیر اجرایی به طعنه از انتقاد آن نویسنده یاد کرد، همان جمع کوچک حاضر را سکوتی خواب‌آور (که مرتبه برادری مرگ را دارد) فرا گرفت. نویسنده منتقد گفته بود اساسنامه‌ای که در وجودش شک دارید حتی در سایت بنیاد گلشیری هم قابل دسترسی است. بگذریم. منظورم ابدا طعنه‌زدن به معتبرترین جایزه ادبی داستان فارسی و بزرگوارانی که با همه دشواری‌ها، محروم از بدیهی‌ترین امکانات برگزاری یک جایزه ادبی از قبیل حامی مالی یا یک سالن ۵۰۰ نفره تا به حال این چند دوره را برگزار کرده‌اند، نیست، بلکه چون سرو کارمان با قصه‌نویسان است می‌خواهم یادآوری کنم از یک چشم‌انداز غیرمتعارف، این اساسنامه گرانقدر و جادویی که زمانی موقتا از نظرها پنهان شد و به چشم نیامد تا جنجال آن سال پیش بیاید این‌بار با چه جبروت و هیات پرشوکتی به میدان بازگشته. جمله مشتاقان جایزه که خبر برگزارنشدن آن، آب سردی بر پیکرشان بود، نویسنده و روزنامه‌نگار و خواننده بی‌نوا دعوت شده‌اند تا ظاهربینی را کنار بگذارند و یک‌بار دیگر، چنان که شایسته است اساسنامه را به دقت بخوانند تا یقین حاصل شود که امور دیگر هم به اندازه برگزاری جایزه و داوری و غیره مهم هستند، چه‌بسا مهم‌تر اگرچه بی‌سروصداتر. تردید ندارم اهداف والا و محترمی در اساسنامه پیش‌بینی شده است که تحققشان مفید فایده است. همچنین از آنجا که یک‌سال داور گلشیری و سه‌سال داور جایزه مرحوم و عزیز روزی روزگاری بوده‌ام کمابیش در جریان دردسرهای هولناک و باورنکردنی برگزارکردن یک جایزه ادبی هستم. اطمینان می‌دهم که بیرون گود، پشت به صحنه ننشسته‌ام و تا به حال کسی از من نشنیده که مدام بگویم لنگش کن. اما با ایمان و اعتقاد تام و تمام می‌نویسم برگزارنشدن جایزه گلشیری با هر دلیل و توجیهی جای تاسف است و انتقاد. جایزه گلشیری می‌تواند اصلا جنبه مادی نداشته باشد، می‌تواند در تالارهای باشکوه شهر که سرگرم برگزارکردن کنسرت‌های دوزاری موسیقی خالتوری و جشن‌هایی با حضور مجری‌های صداوسیما هستند، برگزار نشود. باور کنید جایزه ادبی معتبر احتیاجی به صدوفلان سکه طلایی که جایزه‌های دولتی به بی‌مایه‌ترین آثار ادبی هشت‌سال گذشته اهدا کردند ندارد. همچنین می‌دانیم که وقتی پای بنیاد و جایزه گلشیری در میان باشد هیچ‌کس چشمداشتی ندارد و همه به جان می‌کوشند تا جایزه به بهترین شکل برگزار شود. چراکه آن خبر کوتاه سالانه (که البته با کج‌سلیقگی بنیاد یکی، دوسالی به‌صورت انحصاری فقط در اختیار یک روزنامه قرار می‌گرفت) نبض حیات ادبیات مستقل ایران است. همچنین جایزه گلشیری کمابیش همیشه نشان و مرجع مطمئنی برای خوانندگان داستان فارسی بوده است. این تصمیم با هر توضیح و استدلالی اشتباه است. نمی‌توان پذیرفت حساسیت‌ها و سخت‌گیری‌ها امسال بیشتر از سال‌هایی است که بنیاد پشت‌سر گذاشت و با این همه تن به تعطیلی نداد. حتی نمی‌توان پذیرفت چیزهایی در اساسنامه وجود دارد که بیشتر از جایزه در فضای رخوت‌زده و خواب‌آلوده ادبیات ایران، نشاط و پویایی ایجاد می‌کنند. باور کنید جایزه‌های معتبر ادبی جهان هم سال‌های دشوار و مصایب فراوانی را از سر گذرانده‌اند. اما اگر امروز نامشان را می‌شناسیم و به آنها احترام می‌گذاریم به پاس استمرار سختکوشانه و پایمردانه‌ای است که به بار نشسته است.

پیشنهاد روز

نمایشگاه قرآنی مردم و رمضان

● نمایشگاه قرآن در بوستان قیطریه با موضوعات قرآنی، مذهبی، فرهنگی و هنری در قالب کتاب، نرم‌افزار، فیلم و نیز غرفه‌های مخصوص کودکان درحال برگزاری است. نمایشگاه قرآنی «مردم و رمضان، فصل نیایش و مهربانی» با همکاری اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شمیرانات و شمال تهران، شهرداری منطقه یک و فرهنگسرای ملل در پارک قیطریه تهران با حضور ۶۵ ناشر کتاب، موسسات فرهنگی دیجیتال، موسسات قرآنی، کانون‌های مساجد، سرای محلات و سایر موسسات فرهنگی و هنری از ساعت ۱۹ لغایت یک بامداد در حال برگزاری است.

داریوش کاردان پس از ۵سال دوری از تلویزیون:
جذب مخاطب، باید خردمندانه باشد

عکس: مهرداد اصفهانی

کیمیا امینیان:در بین مجریان رادیو و تلویزیون داریوش کاردان به صراحت لهجه و لحن انتقادی مشهور است. او که از گویندگان و برنامه‌سازان قدیمی صداوسیماست، با برنامه‌هایی چون نوروز ۷۵ و برنامه‌های طنز آیتمی، باعث معرفی بسیاری از چهره‌های طنز در تلویزیون و سینما شد. او رمضان ۹۳ بعد از پنج‌سال دوری از تلویزیون –دوری‌ای که خودش معتقد است خودخواسته بود– با برنامه «ماه باران» در شبکه اول سیما حاضر شد؛ برنامه‌ای که به باور او رقیبی چون «ماه عسل» نداشته است.

«ماه باران» برنامه‌ای بود که بعد از پنج‌سال دوری از تلویزیون میزبان شما بود. بعد از سال‌ها دوری از تلویزیون بازگشت سخت نبود؟

مساله قطع‌شدن یا نشدن ارتباط من با تلویزیون تنها از آن نظر بود که به‌عنوان مجری و گوینده حضور نداشتم. بازیگری عشق من است و خیلی دوستش دارم. اما به این دلیل که اوضاع کشور به‌گونه‌ای بود که نمی‌شد درباره آن صحبت کرد چراکه در غیر این‌صورت به یکی از گروه‌ها و جناح‌ها ربط پیدا می‌کنی، خودم کنار رفتم. کسی از من نخواست حضور نداشته باشم. در این مدت حتی بسیاری از مسوولان نمی‌توانستند صحبت کنند چه برسد به من مجری.

در واقع خودسانسوری کردید...

خودسانسوری نبود، سکوت بود. چون قطعا نمی‌توانستم خیلی از حرف‌ها را بزنم.

فکر می‌کنید الان می‌توانید این حرف‌ها را بزنید؟

شروع کرده‌ایم. نمی‌دانم تا کی بتوانیم ادامه دهیم. احتمالا کسانی که از من برای این برنامه دعوت کرده‌اند، دعوتشان با توجه به این خصوصیات بوده است. به آنها هم گفته‌ام با توجه به اینکه این ماه، ماه خداست و ماه شادی تا جایی که بتوانم این برنامه را شاد اجرا خواهم کرد. حتی گفتم شوخی و انتقاد و متلک هم دارم. دلم می‌خواهد خیلی چیزها را بگویم، نه اینکه از چیزی یا کسی واهمه داشته باشم. کشش برنامه این اجازه را نمی‌دهد که مثلا یکباره بگویم ماجرای ۲۰۰نفری که رییس قوه‌قضاییه گفته در قضیه سه‌هزارمیلیارد پایشان گیر است، به کجا رسید. خیلی دلم می‌خواهد یک‌بار جلو دوربین بگویم این قضیه به کجا رسید؟ بعد از این همه‌سال حال شهرام جزایری چطور است؟ اما فضای برنامه فقط در حد اشاره این اجازه را به من می‌دهد. بیش از این نمی‌شود برنامه را چالشی کرد.

برنامه شما دقیقا همزمان با برنامه «ماه عسل» پخش می‌شد و ساختار هر دو برنامه هم تقریبا شبیه هم بود هرچند نوع پرداخت و گرایش برنامه شما با آن برنامه تفاوت داشت. آیا به این فکر کرده‌اید که برنامه‌تان رقیب «ماه عسل» است؟

تا به حال شاید ۴۰مصاحبه با سایت‌ها و روزنامه‌های مختلف داشته‌ام اما مساله رقابت را کلا رد می‌کنم. نه اینکه بگویم من آنقدر بزرگ هستم که رقیبی نمی‌بینم، اما فضا، فضای رقابت نیست.

بیشتر مخاطبان شبکه‌سه را تماشا می‌کنند...

اشکالی ندارد.

این را قبول دارید؟

هنوز این را نمی‌دانم چون چندبار که مشغول آماده‌شدن بودم، دیدم برنامه ماه عسل شروع شده است. نگاه برنامه ما کمی متفاوت است. هر کدام از دوبرنامه کار خودش را می‌کند و مردم هم مختار هستند که هر کدام از برنامه‌ها را انتخاب کنند. اینکه من نگران باشم که مردم برنامه ما را تماشا می‌کنند یا ماه عسل را اصلا در فکر من نیست.

برنامه «ماه باران» ساختاری جدید داشت. یعنی کمتر پیش آمده که در برنامه‌های ماه رمضان از چهره‌های شناخته‌شده در حوزه‌های مختلف به همراه خانواده‌شان استفاده کنیم و بخواهیم در مورد آن شخص یا موضوع خاص حرف بزنیم. این موضوع به برنامه، صمیمیت می‌دهد. در مقابل با برنامه‌ای روبه‌رو هستیم که بیشتر از مشکلات جامعه می‌گوید...

این روشی است که خودم و همکارانم نمی‌پسندیم. در جامعه بخواهیم یا نخواهیم افسردگی و گرفتاری زیاد است. اگر بخواهیم دوباره همان‌ها را فیلمبرداری کنیم و همان گرفتاری‌ها را قبل از افطار به مردم نشان دهیم، استفاده از حالتی است که فرد محزون خبرهای محزون را بیشتر می‌پسندد یا اینکه به خودش بگوید از من بدبخت‌تر هم وجود دارد. این کار به نظرم جذب مخاطب خردمندانه‌ای نیست اگر هم باشد با خرد من جور درنمی‌آید. من می‌گویم ماه رمضان ماه شادی و میهمانی خداوند است و هیچ‌کس هم منکر وجود مشکلات نیست اما این مساله را که به مشکلات زرق و برق دهیم که اشک مردم دربیاید و بیننده بیشتر شود، من قبول ندارم. به نظرم بیننده خودش باید انتخاب کند. روشی که ما در نظر گرفته‌ایم روشی است که شما هم اشاره کردید. ما خانواده را نشان دادیم. یک خانواده شاد و مهربان. صحبت‌مان هم درباره مهربانی بود و مهربانی را به حوزه خانواده کشاندیم. طراحی این برنامه به این شکل بود که رفتار در خانواده را جلو چشم بیننده نمایش دهیم به این خاطر که اگر در جامعه فساد اقتصادی و ناهنجاری و بدرفتاری داریم، خاستگاه همه‌شان خانواده است. اگر کسی در خانواده‌ای درست تربیت می‌شد، مثلا آقای X، الان مشغول خوردن بیت‌المال نبود و حق مردم را حق خودش نمی‌دانست. اگر در خانواده‌ای خودمحوری و استبداد باشد، محصول آن خانواده در آینده مستبد و خودرای خواهد بود و می‌خواهد همه به فرمان او باشند. جذب مشتری اصلا چیز خوبی نیست. یعنی من کارم را انجام دهم به این دلیل که مشتری پیدا شود. بعد از پیداشدن مشتری به او چه خواهیم داد؟ در آخر هر برنامه هم با خودم تنها که شدم بگویم چه‌کار کرده‌ام؟ چه تاثیری بعد از این شب‌ها روی مردم گذاشته‌ام؟ اگر بتوانم خودم را راضی کنم، خوب است. به همین دلیل نه انتقادی به کسی دارم و نه خودم را رقیب کسی می‌بینم و نه کسی را رقیب خود. هر کسی دنبال چیزی می‌رود که می‌خواهد ببیند. اگر صداقت باشد انسان دیر یا زود، کم یا زیاد به هدفش می‌رسد. مهم، هدف است. اینکه چندمیلیون‌نفر بیننده یک برنامه هستند یا چقدر درآمد نصیب ما می‌شود مسایل بسیار بسیار فرعی هستند. من بعد از پنج‌سال، برای کسب درآمد برنگشته‌ام. یکی از بیننده‌ها می‌گفت چرا کاردان، جنجالی برنامه اجرا نمی‌کند؟ در همان برنامه گفتم مگر جنجال کم داریم؟ من برای ایجاد جنجال نیامده‌ام.

شاید به این خاطر که برنامه‌هایی که حتی طنز هم بود و روی آنتن رفت در خود جنجال داشت. از این‌رو توقع وجود داشت در برنامه شما هم باید جنجال وجود داشته باشد...

جنجال راه به جایی نمی‌برد. ایالت‌های آمریکا سال‌های سال با هم جنگیدند و در آخر با هم گفت‌وگو کردند و ایالات متحده را به وجود آوردند. جنجال به درد یک عده می‌خورد که از قِبَل آن جنجال، کارهای دیگرشان را انجام دهند. آرامش است که به درد من می‌خورد. اینکه جامعه و خانواده‌ها آرام باشند و بنشینیم با هم صحبت کنیم. کدام جنگ بوده که به نتیجه رسیده است؟ کدام جنگ بوده که در آخر به صلح نرسیده باشد؟ به جز کشتارها و قتل‌عام‌ها، کسانی که با هم جنگیده‌اند در آخر با هم صلح کرده‌اند. نمونه‌اش جنگ ایران و عراق است که الان هم بیشترین کمک‌ها به عراق از جانب ایران است. بزرگ‌ترین کشور شیعه با یک کشور شیعه دیگر در حال جنگ بود و سودش نصیب آلمان، آمریکا و انگلیس شد. مردم که سودی نبردند. به جز یک قشر انگشت‌شمار که آنها هم از جنجال برای جمع‌آوری اموال استفاده کردند وگرنه جنجال هیچ‌گاه به درد نمی‌خورد. در جا و زمان مناسب، کلمه مناسب، حرف درست در جای درست و زمان درست اگر گفته شود، می‌تواند منشأ خیر باشد. می‌تواند نشان دهد که فلانی اشتباه می‌کند. اما باز هم جنجال لازم نیست. ممکن است یک گفته من جنجال به همراه داشته باشد اما من به دنبال جنجال نیستم. یادمان نرود محور اصلی برنامه، ماه رمضان و دعا و نیایش و البته امر به معروف و نهی از منکر بود. سعی می‌کنیم از همه‌شان به اندازه در برنامه استفاده کنیم.

منظور همان انتقادها و متلک‌هاست، مانند جریان ربنا...

بسیار اشتباه کردند که فکر کردند بنده در مورد ربنای آقای شجریان صحبت می‌کنم و حتی در «یوتیوب» هم گفته شد ربنا جیغ کاردان را هم درآورد. آقای «فکار» ربنا را خواند و چهارشب هم پخش شد و قرار شد دیگر پخش نشود. سر همین قضیه عصبانی شدم. پیامک‌های زیادی هم آمد که پس چه شد؟ یک جوان بااستعداد زیرنظر سه‌قاری بزرگ و استاد تجوید این دعا را خوانده و با هم تلفنی صحبت کردیم و نظراتی دادیم و ایشان هم این کار را خواند. یک‌شب تا صبح زیر باران مصنوعی این دعا را خواند و حتی یکی، دوگام از آقای شجریان خوانده بود که به ایشان برنخورد و احترام ایشان را نگه داشته بود. صحبت من ربنای خودمان بود. من آقای شجریان را شاید یک‌بار هم از نزدیک ندیده باشم، شاید هم همان شبی باشد که ایشان ربنا را در رادیو خواند. حتی آن شب جلو دوربین تاکید کردم ربنا دعای افطار نیست. نه پخش دعای ربنا جزو واجبات است و نه جلوگیری از آن، هنر. اینکه یک‌نفر اجازه پخش آن را ندهد، هیچ اتفاقی نمی‌افتد. یک ربنای دیگر پخش می‌شود و مردم روزه‌شان را باز می‌کنند. جالب است از یکی، دوشب قبل تیتراژ برنامه ما جزو آهنگ‌های پیشواز موبایل‌ها شده است. نشان می‌دهد یک اتفاقی افتاده که مردم هم راضی بوده‌اند و این شرکت آن کار را کرده است. پخش ربنا خواست من یا برنامه نبوده است. گفته ما این بوده که تکلیف پخش‌شدن یا نشدن این دعا مشخص شود. اگر می‌خواهید این دعا را پخش کنید و بگویید پخش نمی‌شود یا مجوز دهید. اینکه مدام بگویید گوش می‌کنیم درست نیست. اعتراض من این بود که جهت دیگری گرفت.

برخلاف نقش‌هایتان در بخش اجرا، نقش‌هایی که بازی کرده‌اید، خیلی جدی بوده است. به جز کاری که سال قبل در ماه رمضان داشتید، بیشتر کارهایتان هم تاریخی بوده است...

به این دلیل نیست که کار تاریخی را بیشتر می‌پسندم. ژانر کار مهم نیست؛ مهم است که فیلم به من بچسبد. خیلی نقش‌های به‌روز به من پیشنهاد شده اما نقش را دوست نداشته‌ام. بازیگر باید از بازی و نقشش خوشش بیاید. فیلم «پل» را که خانم پاکروان ساختند و نسبتا هم طنز بود. فیلم «قلب‌ها باخبر از عاطفه‌اند» ساخته جمشید و نوید محمودی، داستان مردی بود که به دنبال پیداکردن عضو برای دخترش است و در آخر در اثر یک تصادف عضو خودش را به دخترش پیوند می‌زنند، مثلا در همین زمان «اخراجی‌ها» هم به من پیشنهاد شد اما نپذیرفتم.

اما در کارهای آقای ورزی بازی کردید؟

مگر ایشان جزو اخراجی‌ها هستند؟

به این دلیل که نگاهشان به تاریخ خیلی دگم است و برخی کارهایشان ایرادهای تاریخی زیادی دارد...

نظرها در مورد ایشان مختلف است و حتی بعضی‌ها گفته‌اند ایشان استاد تحریف تاریخ است. اما خیلی راحت به شما بگویم کدام حکومت است که اجازه دهد در زمان حکمفرمایی‌اش از دولت قبلی تعریف شود؟

نمایشگاه نقاشی‌های سارا اشرفی در گالری «نگاه»

شرق: نمایشگاه نقاشی‌های سارا اشرفی در گالری «نگاه» برگزار می‌شود. اشرفی در متنی که برای این نمایشگاه نوشته، آورده است: «هنگامی که از کنار یک‌تابلوی نقاشی رد می‌شوید، حتما صدایی به گوش می‌رسد، گاهی صدای شرشر باران، گاهی صدای برخورد یک‌نگاه و گاهی صدای تنفس سکوت...، من در این مجموعه کارهایم تلاش کرده‌ام صدایی که می‌شنوید یک صدای معمولی نباشد، گوش کنید، بشنوید؛ این همان صدایی است که شما تصور می‌کنید؛ با نقاشی‌های من راحت باشید خیلی ساده‌اند درست مثل قدم‌زدن، همیشه بر این باورم بگذارید پاهایتان به گام‌هایتان بیندیشند چراکه راه را آنها می‌پیمایند، بگذارید بیندیشند به‌راهی که شاید چشم‌ها از آن بی‌خبرند درست زمانی که دست‌ها در تاریکی جیب‌ها به خواب رفته‌اند.»

نمایشگاه نقاشی‌های سارا اشرفی از پنجشنبه، نهم مرداد تا بیست‌ویکم همین ماه در گالری« نگاه» واقع در لواسان، ابتدای بلوار اصلی (امام خمینی)، خیابان شکوفه (اصطلک)، خیابان نگار، انتهای کوچه گلزار، شماره ۳۲ برگزار می‌شود.

فصل جدید شب‌های داستان «برج میلاد» از راه رسید

شرق: دوره چهارم شب‌های داستان «برج میلاد» تهران، در هفته اول شهریور امسال برگزار می‌شود. فرزاد هوشیار پارسیان مدیرعامل «برج میلاد» تهران با اعلام این خبر گفت: سال گذشته طی سه فصل، سه دوره از برنامه شب‌های داستان را با حضور نزدیک به صدنویسنده و مترجم برگزار کردیم و قصد داریم امسال نیز همچون سال گذشته شاهد حضور و داستان‌خوانی نویسندگان و مترجمان کشورمان در برج میلاد تهران باشیم. وی افزود: در دوره‌های پیشین، برخی نویسندگان که ساکن استان‌های دیگر هستند نیز به برنامه دعوت شدند. در دوره چهارم هم نویسندگانی از شهرهایی غیر از تهران دعوت شده و برای علاقه‌مندان داستان‌خوانی خواهند کرد.

هوشیار پارسیان ادامه داد: روال کار شب‌های داستان تاکنون بر این بوده است که در هر فصل میزبان نویسندگان و مترجمانی باشیم که طی فصل‌های پیش حضور نداشته‌اند. بر همین مبنا، دوره چهارم هم با حضور نویسندگانی برگزار خواهد شد که جزو صدمیهمان قبلی شب‌های داستان نبوده‌اند.

خبر سازان

«کمپین» نویسندگان علیه سایت «آمازون»

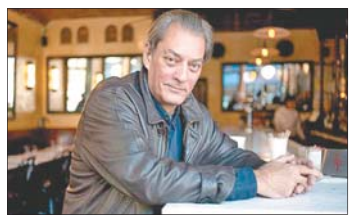

● حدود ۹۰۰نفر از نویسندگان و چهره‌های ادبی در کمپینی به‌رهبری داگلاس پرستون نسبت به عملکرد سایت «آمازون» واکنش نشان داده‌اند.

به گزارش «گاردین» برخی از بزرگ‌ترین چهره‌های ادبی در شاخه‌های مختلفی همچون نویسندگان، مورخان و شرح‌حال نویسان که از میان آنها می‌توان به استفان کینگ، دونا تارت، پل آستر، جان گریشما، جاشوا فرید و... اشاره کرد، بخشی از کمپینی را تشکیل داده‌اند که در مقابل بزرگ‌ترین سایت خرید و فروش کتاب «آمازون» به مبارزه برخاسته‌اند. این نویسندگان در نامه‌ای اعتراض‌آمیز نسبت به عملکرد «آمازون»، تاکید کرده‌اند که اگر شیوه‌های کنونی مانند کاهش سرعت انتقال کتاب، جلوگیری از پیش‌خرید و از بین‌بردن تخفیف‌های قبلی ادامه پیدا کند، کار به بن‌بست می‌رسد. داگلاس پترسون، نویسنده آمریکایی کتاب‌های «تریلر» که رهبری این گروه را نیز برعهده دارد، با توصیف اینکه اقدام «آمازون»، مانند آدم‌کش‌هاست، می‌گوید: «من با بسیاری از نویسندگان جوان صحبت می‌کنم. آنها سال‌ها برای انتشار آثارشان تلاش کرده‌اند سپس آمازون آرزوها و رویاهایشان را برای یافتن مخاطب له می‌کند و از بین می‌برد.» او ادامه می‌دهد: «در تمام زندگی‌ام ندیده‌ام نویسندگان به این‌شکل با هم متحد شوند. «آمازون» با زورگویی حرکت می‌کند. فکر می‌کنم نویسندگان از این‌وضعیت خسته شده‌اند. ما احساس می‌کنیم به ما خیانت شده است: چون ما به «آمازون» کمک کردیم تا به یکی از موسسات بزرگ جهان تبدیل شود. از آن حمایت کردیم. با بلاگ‌ها، نقدها و... حامی آن بودیم، بدون اینکه انتظار پاداشی داشته باشیم. فکر می‌کردیم طی سال‌های اخیر همکاری خوب و منصفانه‌ای داشته‌ایم اما آمازون با رفتارهایش از نویسندگان حمایت نکرد.» همچنین قرار است نامه‌ای از سوی پترسون و ۹۰۰ نویسنده به‌صورت یک‌صفحه کامل در هفته جاری در «نیویورک‌تایمز» منتشر شود.